

آدینه ملای روشنفکر و خردمندی اسماعیلی

جاویدان یاد، ملا آدینه یکی از نخبه ترین شعرای دوره های اخیر اسماعیلی های بدخشان است که با احساس راستین و قامت بلند جایگاهی خود را در قلمرو بیکران شعر فارسی مشخص، و طرح تازه و نوینی در شعری منطقه وارد، و اندیشه و اعتقادهای مذهبی خود را با بهترین جلوههای زیبایی و تناسب معانی در ارکان و اوزان خیلی سنگین عروضی، با دقت نظر و باریک اندیشی بیان کرده است.

ملا آدینه چون متعلق به جماعت مسلمانان شیعه اسماعیلی است در اشعار خود، بنا بر سنت مذهبی اش اهمیت و ارزش کلانتری را به معانی باطنی اندیشه هایش داده و از شیوه اهل تاول پیروی نموده است.

ملا آدینه این فرزانه مردی عرصه شعر، در روستای خلخان از توابع زیباک بدخشان، در یک خانواده باسواد "به نام خانواده ذات سدیر" دیده به جهان گشوده است. خانواده ذات سدیر در زمان مبارزات "دیوان شاه" یکی از برجسته ترین رهبران مذهبی آن مناطق، بیشتر به امور داوری و حل و فصل مشکلات محیطی اشتغال داشتند. ملا آدینه در سهای نخستین را در زادگاهش فراگرفته و در آغاز نوجوانی پدرش او را جهت ادامه تحصیل به بخارا فرستاده و تحصیلاتش را در بخش علوم دین در بخارا تکمیل نموده بود.

با تکمیل کردن دوره ای تحصیلاتش، دوباره به بدخشان آمده و چند سالی را به تدریس در مدرسه خرکه مبارک فیض آباد و مدتی را نیز عازم حکومتداری جرم و بهارک شده و در مدارس آنجا مصروف آموزگاری بوده است.

به اثر تقاضای مکرر مردم زیباک، ملا آدینه به زادگاه اصلی اش خلخان بازمیگردد و مدرسه ای را در منزل شخصی اش اساس گذاری کرده و شمار زیادی فرزندان زیباک و اشکاشم را تحت آموزش و پرورش قرار میدهد.

این شاعر شیوا بیان، سرزمین بیکران اندیشه های خود را به شعرهای ماندگار رنگارنگ ساخته و آنچه باور داشته در یافته‌های خود را به گونه ای در ست، و اضح و سالم بیان کرده و هیچگاهی گرفتار پریشان گویی و گزافه نشده است. و او کوشیده است تا افکار و اندیشه های عقیدتی خود را یک مقدار آزادانه تر بیان کرده و مانند دیگر شاعران اسماعیلی از تقیه رایج و معمولی که دارند کمتر بهره برداری کند.

شعر های مرحوم ملا آدینه که بیشتر شان در قالب غزل و شمار هم در قالب چارپاره ها هستند، طرز فکر و اندیشه اسماعیلیان آن مناطق را در چند دهه اخیر انعکاس داده و هویت فرهنگی و مذهبی آنجا را به بهترین شیوه ای آن عنوان کرده است.

این شاعر توانا، که بهترین جلوه های خردمندی و عرفانی در شعر هایش موج میزند، از نوک بام دنیا همه چیز را با توجه با اساسات عقیده باطنی ارزیابی کرده و تاویل مذهبی خود را بر بنیاد اصلهای زرین اسلام و شناخت باطنی امامت استقامت داده است. همه شعر های ملا آدینه نمونه های خوبی بیان اندیشه ها و دریافت مطالب واضح و روشن، از طرز تفکر مذهبی او ست ؛ که در سراسر این شعر ها امواج توفنده عقاید او طغیان میکند که در جسم آنها ساده گی، روانی، نظم دقیق و در روح آنها خیال، احساس، عاطفه و درک معانی به هم آمیخته شده و آنها را به اوج کشانیده است.

ملا آدینه از هیچ شاعری بدون از (چارپاره ها) تاثیر نه پذیرفته و با شیوه های معمول خود، در سنگین ترین اوزان شعر گفته و طبع آزمایی کرده، که از هر وزنی شعری، موفقانه بدر آمده است. او در آفرینش ترکیبات و تصویر سازی کوششهای کرده و مطالب مرامی خود را در وزن های غیر رایج به زیور "اشاره" یعنی همان تقیه مذهبی اش آراسته است. اما در بعضی موارد او از مخالفان هم حراسی نکرده و اندیشه های نهفت در حیات مذهبی خود را آزادانه اما با ظرافت ویژه ای بازتاب داده است.

ملا آدینه خلخان زادگاهش رادوست داشته و با مردم آن خیلی صمیمی بوده و با ارزشها و اعتقادات مذهبی اش صادقانه پابندی داشته و در راستای تبلیغ و ترویج مذهبی کوشا بوده است. مدرسه ملا آدینه که بعد ها به نام " دعوتخانه " یاد میگردید بهترین افراد منور، روحانی و صاحب رسوخ چون محمد جان بای و ملاحاتم گلخانچی، ملا نظر، ملا رشید و.....را به زیور علم و دانش به جامعه تقدیم نموده است. که هر یکی ایشان صدر نشینان عرصه های گوناگون معنوی آن مناطق به شمار میروند.

ملا آدینه نخستین کسی بود که با جرات فراوان بدون ترس از هیولای وحشتناک که در حاکمیت قراردادش مدرسه ایجاد کرد و به فرزندان آن مناطق بی پناه درسهای حقیقت، درسهای شناخت باطن و اصلهای زرین مکتب اسلام شعبی اسماعیلی آموخت. نامبرده پسری نداشته اما چار دختر از او باقیمانده بود که همه ای آنها نیز این دنیا را پدرود گفته اند. نواسه های دختری این شاعر بزرگوار هنوز هم در قید حیات هستند.

کتابچه اشعار ملا آدینه، یادداشتهای شخصی با یک جلد قرانکریم میناتوری شده به رنگ طلایی دست نویس، که آنرا به عنوان جایزه عالی در پایان تحصیلاتش از موسسه تحصیلی بخارا به دست آورده بود، نزد شاگردش محمد جان گلخانچی بود. نگارنده که افتخار شاگردی ملا محمد جان را در ایام کودکی دارد و درسهای دینی را نزد ایشان فرامیگرفتم، استادم ملا محمد جان چند رونویس شعر های ملا آدینه را در صفحات سفید آخری کتابم نوشته کرد. و همچنان وعده داد تا شمار دیگر شعر ها و نوشته های او را به اختیارم میگذارد. اما با تجاوز روسها به کشور، آنها ملامحمد جان این مرد بزرگوار را گرفتار و زندانی کردند و چند سالی را در زندان رژیم سپری کرد و درسولهای زندان دچار بیماری مزمن شده و از زندان رها شد، بعد از رهایی از اثر شکنجه های که در زندان دیده بود پدرود حیات گفت، که با دریغ و درد فراوان من موفق نشدم شعر های بیشتری ملا آدینه را از نزد ایشان به دست بیاورم. بخشی دیگری شعر های ملا آدینه در نزد مادر بزرگوارم که دختری کوچک ملا آدینه بود هنوزم نزد من نگارنده موجود اند. در این شعر ها بعضی رباعی ها و غزلها ناتمام بوده، بیتی، رکنی و یا قافیه ای نا تمام مانده، حدس زده میشود که این اشعار چندین بار به وسیله افراد دیگر رو نویس شده باشد، زیرا برخی لغزشها و نارسایی های کوچکی در آنها به مشاهده میرسد که ضرورت به تصحیح و باز بینی دارند و من برای رفع ابهام رجوع به نسخه های اصلی را لازم و ضرور میدانم. و با کمال امانت داری همه آنها را همان گونه ای که هستند حفظ کرده ام.

زندگی اسماعیلیان آن مناطق در دوره های آخر، هرچند با رنج و درد آمیخته است که میتوان در شعر های ملا آدینه آنرا به وضاحت دید. اما در اندیشه های عقیدتی او با وجود همه آشفتگی ها و نابسامانیها اندکترین فریاد و شکایتی را نمیتوان دید. زندگی و گذاره روزانه او خیلی فقیرانه، درویشانه و روستایی ساده بوده و به آن قناعت کرده و ارزش به دارایی مادی قایل نبود، اما از سوی دیگر، او در زندگی معنوی خود زیباییهای باطن و جوانه های بیشمار عرفانی را پرورش داده و به آنها ارج گذاشته و دل بستگی فراوان داشت.

این شاعر وارسته، به گفته آنهايي که خاطراتي از او به ذهن دارند گاهي (عاجز) تخلص ميکرده اما در غزلهای که از او موجوداند چنین چیزی به مشاهده نرسیده است اما گاه گاهي جهت معرفي کردن، خود را آدینه خلخانی خوانده است. او (۷۵) سال عمر مبارک خود را در مسلک مقدس آموزگاری به پایان برده و با این جهان وداع کرد. و در نزدیک مزار خانم شهزاده "مادووس" واقع در قریه خلخان زیباک به خاک سپرده شده است. آنچه از ملا آدینه این فرزانه فرزند آن سرزمینی یادگارهای کهن به ما میراث مانده بسی مغتنم و قابل قدر است که در آن نکات آموزنده اخلاقی و عرفانی فراوان و به درد بخور موجود است که هر نکته آن بطنی دارد و باطنی. و بازگو کننده ای اندیشه های تازه ای عرفانیست.

در این جا چند نمونه غزل ها و چارپاره های ایشان را پیشکش دوستان شعر میکنم.

غزل

زان روز من از اصل خـــــــدایم جدا شدم

از درد سوخـــــــتم و به هجر آشنا شدم

یک وقت بـــــــود عالم لاهـــــــوت جای من

حالا به کنج غـــــــربت تعبید رهـــــــا شدم

چون چند زمانی رفت بدینسان و بعد از آن

بسیـــــــار دور رفته و در انـــــــزوا شدم

شد سالها که من به هـــــــزاران طریق راز

به آرزوی دیدنش دست دـــــــعا شدم

خـــــــواندم شریعت و برفتم طریقت اش

از راه معـــــــرفت به حقیقت سوا شدم

- - / 0- / 0-0 / 0-0 - بحر مضارع اخرب مکفوف

لحظه دیدار

همیشه قصه آن یار میگویم
طنین لحظه دیدار میگویم
زمان وصل عاشق با امش
در این رابطه ها بسیار میگویم
به هنگام نیایش در دعایم
دروود اش را همیشه تکرار میگویم
برای آن دوستم، این حقیقت
گناه عشق خود اقرار میگویم
یقین قلب و گفتار زیان خویش
همه یکجا در این اشعار میگویم
منم عاشق به آن معشوقه والا
که از عشقش چنین اشعار میگویم

0/0/0/ بحر هزج مسدس سالم

.....

شراره دل

چه چاره کنم شراره دل
ادامهء این کفاره دل
به این همگی فسانه غم
چگونه شود گذاره دل
رسیده به لب کشاکش جان
از هر هوس مکاره دل
زیاده از این شکایت من
اضافه به بود در باره دل
وظیفه من اضافه شد
اما نکند اداره دل
سر رشته ای کامیابی من
بیسته همی ن خساره دل

00-0 / -00-0 / بحر وافر مسدس سالم

.....

بازا باز که تشنهء دیدارم
دیوانه عشق و عاشق افکارم
جز دیدن تو دیگر ندارم ارمان
اینست پیام آخرین گفتارم

* * * * *

ایدوست به حال من عاجز بین

بر سابقه و گذشته ام نیز بین

من عمر در راه خیر خدمت کردم

یک بار به این کسار ناچیز بین

* * * * *

هر شب به خداوند خطاب دارم

صد گونه پرسش و جوابی دارم

از درد فراق گله دارم بسیار

تا روز وصال چینی شتابی دارم

* * * * *

جاگیر شده جهل و ما به آن خنده کنیم

نفرین به خرافات پوسیده کنیم

صد کاشگی به جای گریه بر ماتم ها

بر جهالت و نادانی خود گریه کنیم

www.esalat.org